



آفرین به ترک‌ها، مرحبا به کردها

سیدمصطفی تاج‌زاده
نادر صدیقی

تأسیس نظام سیاسی جدید در ترکیه در دهه سوم قرن بیستم میلادی، بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی، به سردمداری و پیشگامی نظامیان شوونیست انجام گرفت، به همین علت گفتمان ناسیونالیسم افراطی و لائسیسم غیردموکراتیک و ضداسلامی چندین دهه در حاکمیت این کشور حرف نخست را می‌زد. با این سابقه، گذار ترکیه به دموکراسی و پیروزی قاطع یک حزب مسلمان در انتخابات پارلمانی ماه گذشته آن کشور (۳۱ تیر ۸۶)، پدیده‌ای قابل تأمل است.

اولترادموکراسی‌های سوییس و سوئد و برخی از کشورهای اروپایی، برغم ارزش ذاتی و نمادین خود، آن‌چنان دور از منطقه زیست ما قرار دارند که نمی‌توانند برایمان در بردارنده جنبه‌ای تجربی باشند، اما عبور ترکیه به دموکراسی به دلیل قرابت دینی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی با کشورهای مسلمان، بویژه ایران و این‌که تا چندی پیش نظامیان و نهادهای امنیتی و انتصابی، همواره دست بالا در عرصه حکومت آن کشور داشته‌اند، می‌تواند و باید به عنوان یک تجربه نزدیک مورد بررسی و عبرت‌آموزی همه احزاب و سیاستمداران، روشنفکران و اهل نظر منطقه قرار گیرد.

در این گذار، خویشنداری نسبی و تمکین و احترام نظامیان و سکولارهای ترکیه به نتایج برآمده از دل صندوق‌های رأی در انتخابات اخیر - پیروزی یک حزب مسلمان - موضوع قابل توجهی است که اهمیت و پیامدهای آن به هیچ وجه منحصر به آن کشور نیست.

به نظر می‌رسد امروزه بلوغ جامعه مدنی، روشنفکران، احزاب و نظامیان ترکیه به حدی رسیده است که به جای سؤال نظامیان چه واکنشی نشان خواهند داد، باید این پرسش را مطرح کرد که برغم آن‌که معمولاً در پنجاه سال اتحاد استراتژیک ترکیه و آمریکا، نظامیان در چنین شرایطی دست

به کودتا می‌زدند، چرا کودتایی رخ نداد، آن هم در شرایطی که یک حزب مسلمان مدیریت دو قوه مقننه و مجریه را در دست گرفته و به احتمال زیاد در آینده نزدیک یک سیاستمدار مسلمان، رییس جمهور ترکیه خواهد شد.

پاسخ این سؤال را باید در تحولی جستجو کرد که از یک سو در جامعه ترکیه و از سوی دیگر تحلیل نیروهای سیاسی از شرایط ملی و بین‌المللی و نیز در "دشمن‌شناسی" نظامیان روی داده است.

در حقیقت وجود نهادهای مدنی مستقل و قدرتمند، افزایش آگاهی‌های عمومی و پذیرش معیارهای دموکراتیک توسط اکثر قریب به اتفاق شهروندان ترکیه، عملکرد مناسب حزب اعتدال و توسعه در پنج سال حکومت خود و مخالفت افکار عمومی جهانی علیه کاربرد زور و اسلحه در عرصه سیاست از جمله این تحولات هستند.

در چنین شرایطی یکی از تحلیلگران ترک که همواره رفتار نظامیان کشور خود را نقد کرده است، تحول نوین در دشمن‌شناسی نظامیان ترک و تصور جامعه از نظامیان را بر مبنای یک رشته پرسش و پاسخ‌های خویشاوند چنین توضیح می‌دهد:

دشمنی با نظامیان چیست؟

وارد کردن نظامیان به سیاست، صدور بیانیه و هشدار امنیتی از جانب آنان، کودتا کردن.

دشمنی با نظامیان چیست؟

تحت فشار قرار دادن نظامیان برای مداخله آنان در سیاست.

دشمنی با نظامیان چیست؟

طلب کردن از نظامیان که در سیاست مداخله کنند [تعریضی به آن بخش از گرایش‌ها و احزاب سیاسی که می‌کوشند کمبود پشتوانه مردمی خود را از طریق آویختن به نظامیان تلافی کنند] و تحریک و تشویق آنان به کودتا.

دشمنی با نظامیان چیست؟

تدوین قوانین محدودکننده حوزه سیاست‌ورزی غیرنظامیان با مداخله نظامی و انجام کودتا و به این ترتیب به تأخیر افکندن و عادی شدن بلوغ دموکراتیک در ترکیه.

دشمنی با نظامیان چیست؟

این که بخشی از شهروندان جمهوری ترکیه، دشمن ترکیه اعلام شوند.

دشمنی با نظامیان چیست؟

معرفی انتخابات آزادی که بر اساس رأی مردم برگزار می‌شود، به عنوان تحولی در سیر "تجزیه"

دشمنی با نظامیان چیست؟

کشاندن دولت به خارج از مجرای حقوقی به بهانه این که در حال مبارزه با ترور و خشونت است.^{۱۸} هنگامی که روشنفکران، اهالی مطبوعات و نخبگان جامعه مدنی و در یک کلام تولیدکنندگان افکار عمومی چنین برداشتی از دشمنی با نظامیان و نهادهای انتصابی کشور خود دارند، باید گفت درک جدیدی از مناسبات اجتماعی در جامعه پدیدار شده است و همه متوجه شده‌اند که بازی دموکراسی بازنده ندارد.

نظامی‌گرایی، برتری‌جویی نژادی، لائسیسم ضداسلام و انزواطلبی توأم با تحمیل شرایط و گفتمان امنیتی بر کشور، البته در انتخابات آزاد بازنده خواهند بود، اما این هرگز به معنای باخت ملت ترکیه و حتی نظامیان آن کشور در صورت استقرار دموکراسی نیست. برعکس، عزت و سرفرازی نیروی نظامی و امنیتی کشور در شرایط دموکراتیک بیش از گذشته تأمین می‌شود. دموکراسی، حقوق بشر و انتخابات آزاد فضایی را خلق می‌کند که توأمان پردکننده چندین عامل مخرب و تأمین‌کننده منافع حیاتی شهروندان است.

۱. انتخابات آزاد، امنیت و یکپارچگی سرزمینی در دنیای امروز و بویژه در شرایط کنونی منطقه، دموکراسی و انتخابات آزاد مؤثرترین، بادوام‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برقراری ثبات و امنیت است. یعنی درست بر خلاف آن دیدگاهی که به بهانه مقابله با ناامنی و تهدیدهای خارجی و داخلی به انسداد مجاری تنفسی جامعه اهتمام می‌ورزد، تجربه ترکیه اثبات می‌کند جز از طریق انتخابات آزاد نمی‌توان به امنیت همه‌جانبه و پایدار نایل گشت و امنیت منتهای دموکراسی برغم ظاهر پرحاصلات آن همواره شکننده است. به همین دلیل تحلیلگران تیزبین در ترکیه مشارکت حداکثری مردم خود و از آن جمله رأی اکثر آنان را به حزب عدالت و توسعه رأی به ثبات و استقرار میهن تفسیر می‌کنند.

الگوی کامیاب ترکیه بیانگر آن است که دسترسی به ثبات و امنیت و دفع تهدیدهای داخلی و خارجی، نه با تشکیل حزب و دولت پادگانی و بستن روزنامه‌ها و انحصار رسانه‌ها و انسداد گردش اطلاعات و نه با تضعیف و نفی نهادهای مدنی، NGO ها، اتحادیه‌ها و احزاب و اعمال نظارت استصوابی در انتخابات و حذف دلوطلبان منتقد حکومت بلکه با رقابت آزاد اشخاص و احزاب و فعالیت آزاد ده‌ها شبکه و کانال تلویزیونی و انجام

مناظره‌ها و مباحثات در مطبوعات آزاد و بالأخره با پذیرش آزادی سبک زندگی میسر می‌شود. در اثبات لرزان بودن ثبات ظاهری متکی بر استبداد و تک‌صدایی کافی است یادآور شویم که بیش از یک‌صد نماینده کنگره آمریکا در نامه خود علیه معاملات ۲۰ میلیاردی تسلیحاتی ایالات متحده با عربستان در روزهای گذشته، عدم وجود دموکراسی در آن کشور را مورد تأکید قرار دادند و این سؤال را مطرح کردند که چه تضمینی برای عدم برپایی یک قیام بنیادگرایانه علیه حاکمیت فطری و نیفتادن سلاح‌های پیشرفته به دست بنیادگراها و تروریست‌ها در آینده نزدیک وجود دارد؟ حکومتی که نمی‌تواند با دموکراسی و انتخابات آزاد ثبات خود را تضمین کند، چگونه می‌تواند چنین تضمینی دهد؟

۲. انتخابات آزاد، بنیادگرایی و تروریسم مدل ترکیه ثابت کرد بنیادگرایی دینی به مفهوم توجیه افراطی‌گرایی و تروریسمی که دین را نه تنها به استخدام، بلکه به استثمار عده‌ای قشری مسلک، ماجراجو یا جاه‌طلب در می‌آورد و توجیه‌گر مقاصد سیاسی و اراعی‌گرایانه آنان می‌شود، با انتخابات آزاد تضعیف و مهار می‌شود. به این اعتبار دموکراسی و نه مداخله نظامی نیروهای بیگانه یا کودتای نظامی، می‌تواند حریفی کارآمد علیه بنیادگرایی و تروریسم در همه اشکال آن باشد.

رشد جهش‌وار بنیادگرایی اسلامی، بویژه در سال‌های پس از جنایت تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نشان می‌دهد همراهی حکومت‌های استبدادی و بریده از مردم با مداخله و اشغال‌گری جنگ‌طلبان آمریکایی، با رشد بنیادگرایی و تروریسم در منطقه پیوندی مستقیم داشته است. اما ویژگی بارز دموکراسی و انتخابات آزاد ترکیه در آن است که مخالفت افکار عمومی با سیاست‌های تجاوزگرانه دولت ایالات متحده (مطابق نظرسنجی‌های مکرر مؤسسه‌های آمریکایی طی سال‌های اخیر) بر خلاف رژیم‌های دیکتاتور عرب همسو با دولت آمریکا که درصد عظیمی از اتباع آن‌ها ضدآمریکایی و طرفدار بن‌لادن هستند، هرگز به رشد بنیادگرایی و افراطی‌گری دینی در سطح جامعه منجر نشده است. تجربه آزادی و دموکراسی در ترکیه نشان می‌دهد غیر از "بن لادنیسم" پاسخ دیگری هم برای سیاست‌های نظامی و توسعه‌طلبانه دولت آمریکا وجود دارد.

تصادفی نیست که جریان القاعده در کشوری که شش قرن پرچمدار و پایتخت، خلافت اسلامی بوده است، پایگاه چندانی ندارد و بر عکس در کشورهای دیکتاتوری منطقه، بنیادگرایی و افراطی‌گری اسلامی مجال وسیعی برای رشد و عضوگیری از میان توده‌ها، بویژه جوانان مسلمان یافته است. مقایسه این دو تجربه، یعنی دموکراسی ترکیه و دیکتاتوری‌های منطقه نشان می‌دهد دموکراسی در مجموع با بنیادگرایی ناسازگار است نه با اسلام یا سکولاریزم. به عبارت دیگر، تنها با دموکراسی گسترده و مستمر و انتخابات صدرصد آزاد است که همه اشکال بنیادگرایی، از جمله بنیادگرایی اسلامی، بنیادگرایی سکولار و بنیادگرایی ناسیونال‌شوونیسم تضعیف می‌شوند و زمینه رشد گرایش‌های دموکراتیک (اسلامی، سکولار و ناسیونالیسم) فراهم می‌شود.

۳. انتخابات آزاد، رفاه و توسعه

تجربه ترکیه نشان می‌دهد دموکراسی نه تنها شرط حفظ امنیت، ثبات و یکپارچگی سرزمینی در شرایط متلاطم خاورمیانه امروز است و رادیکالیسم و بنیادگرایی را تضعیف می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه ملی و رفاه شهروندان نیز هست. سطح کنونی رفاه و توسعه در ترکیه، نتیجه رقابت آزاد احزاب و مدیریت منتخب و کارآمد، روابط نسبتاً شفاف اقتصادی و اجتماعی و تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان است. تجربه ترکیه از این لحاظ تا حدودی تداعی‌کننده کارنامه اصلاحات در کشور خودمان است که توانست به مراتب بهتر از اقتدارگرایان، امنیت ملی و تمامیت ارضی میهن را حفظ کند و در عین حال با جلب احترام جهانیان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش ضریب نرخ بیمه، تبعات ناشی از دو جنگ و اشغال تمام‌عیار عراق و افغانستان را پشت سر بگذارد، چنان که طوفان منطقه خلیج در مسیر پیشرفت و توسعه آن وارد نکند و کشور دچار انزوا و تحریم نشود.

۴. انتخابات آزاد، ارزش‌ها و

هنجارهای اسلامی

یکی از مضامینی که بیشترین بسامد را در نگاه ناظران خارجی و بویژه نزد کارشناسان و رسانه‌های اروپایی و آمریکایی داشته آن بود که انتخابات آزاد ترکیه بیانگر سازگاری و امکان خویشاوندی میان اسلام و دموکراسی است. این در حالی است که اگر زاویه دید خود را عوض کنیم و به جای نگاه از بیرون، در جایگاه بازیگران

درونی دموکراسی ترکیه بنشینیم، خواهیم دید از قضا خود این بازیگران، کمترین تأکید و تظاهر را به پیوند اسلام و امور حکومتی دارند.

وضعیت غریبی در ترکیه حاکم است: از یک سو مخالفان سیاسی و رقبای سکولار و لائیک حزب عدالت و توسعه را به تقیه و رسوخ دادن تدریجی و خزنده اسلام و شریعت به عرصه سیاست و حکومت ترکیه متهم می‌کنند و ناظران خارجی نیز همواره در توصیف حزب مذکور از عنوان اسلامگرا استفاده می‌کنند، از سوی دیگر طرف اصلی این ماجرا در عرصه رقابت سیاسی، نه تنها از اعلام هم‌پیوندی اسلام و سیاست پرهیز می‌کنند بلکه می‌کوشد اثبات کند باورهای دینی خود را از عرصه سیاسی مجزا نگاه می‌دارد و در قلمرو سیاست به اصول سکولاریزم پایبند است. این پارادوکس را چگونه می‌توان حل کرد؟ چگونه می‌توان این واقعیت را انکار کرد که با وجود امتناع رهبران مسلمان حزب عدالت و توسعه از در هم آمیختگی دین و سیاست بسیاری از شهروندان ترکیه رأی خود را با انگیزه‌های اسلامی به حزب مذکور داده‌اند و لائیک‌های دیگر ستیز مخالف آن حزب نیز به نام مقاومت در مقابل تضعیف لائیسیت و جلوگیری از ورود شریعت و اسلام به عرصه سیاست و دولت از پایگاه انتخاباتی خود رأی می‌گیرند. بعضی ناظران بیرونی نیز هم‌اوردی حزب عدالت و توسعه را در جنبه ایدئولوژیک خود هم‌اوردی میان لائیسیت و اسلام به حساب می‌آورند.

حل پارادوکس مذکور جز با مذاقه در پارادوکسی دیگر که از آن به "تگفتن و نشان دادن" یا "تبلیغ غیرمستقیم" تعبیر می‌کنیم، میسر نیست. نخبگان حزب عدالت و توسعه بی‌آن که بر اسلامیزه کردن ترکیه تأکید کنند - البته به مسلمان بودن خود مباحثات می‌کنند - با پرهیز و سواس گونه از استخدام اسلام به سود اهداف سیاسی و حزبی، ارزش‌ها و شعائر اسلامی را در عمل هر روزه خود و بویژه در عملکرد کارآمد، شفاف و دموکراتیک خود تقویت می‌کنند.

به این ترتیب حزب عدالت و توسعه بر خلاف بعضی مدعیان اسلام و اسلامگرایی در برخی کشورهای مسلمان، به جای آن که اسلام را به استخدام خود درآورند و توجیه‌گر رفتار و گفتار خود کنند، عمل خود را در خدمت رشد ارزش‌ها، هنجارها و شعائر اسلامی قرار داده‌اند. این همان توصیه‌ای است که در روایات و احادیث از آن به

تجربه موفق دموکراسی در ترکیه نشان می‌دهد در کشورهای جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی در آن‌ها به لحاظ کمیت و کیفیت به درجه معینی از رشد و بلوغ خود رسیده باشند، افراط‌گری، خشونت‌ورزی و انقلاب‌های نرم و سخت جا ندارد

عنوان تبلیغ اسلام به کمک عمل صالح مسلمان یاد می‌شود و نقطه مقابل شیوه رایج کسانی است که اسلام را هزینه جاه‌طلبی‌های فردی و گروهی و توجیه‌گر عملکرد تنگ‌نظرانه و پر خطای خود می‌کنند.

از طرف دیگر برای بررسی همه‌جانبه کارنامه عملکرد حزب عدالت و توسعه در جهت خدمت به رشد ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی باید به خود جامعه ترکیه مراجعه کرد و پرسید آیا ارتقای سطح توسعه کشور و رفاه مردم از یک طرف و آزادی کامل اینترنت، ماهواره، رادیو و تلویزیون و نیز گسترش صنعت توریسم از سوی دیگر، به تضعیف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در ترکیه منجر شده است یا به تقویت آن؟ تجربه ترکیه ثابت می‌کند ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، چه در قلمرو سیاست و چه در عرصه جامعه مدنی گسترش و عمق یافته است اما نه با تلاش برای حاکمیت تک صدایی در حکومت و تحمیل الگوی واحد سبک زندگی در جامعه مدنی، بلکه با پذیرش تنوع و تکثر در عرصه سیاست و حکومت و آزادی سبک‌های گوناگون زندگی در اجتماع است که تفوق و ماندگاری خود را به اثبات می‌رساند. جالب آن‌که در ترکیه این گفتمان لائیسیم افراطی و آمرانه است که می‌کوشد مانع تحقق اراده آزاد مردم در عرصه حکومت شود و تلاش می‌کند فقط یک شیوه زیست را به زنان ترکیه تحمیل کند و مانع حضور زنان محجبه در ادارات و دانشگاه‌ها شود و رفتاری ارتجاعی و عقب مانده از خود نشان می‌دهد. در هر حال رشد ارزش‌های اسلامی در کشوری که بیش از ۱۵۰ کانال تلویزیونی داخلی و خارجی در نهایت آزادی به تبلیغ انواع ایدئولوژی‌ها، احزاب، گرایش‌ها و سبک‌های

شعار ترکیه برای همه ترکیه‌ای‌هاست نه برای ترک‌ها همچون شعار ایران برای همه ایرانیان است نه برای فارس‌ها متضمن پتانسیل عظیمی برای حل ریشه‌ای و پایدار مسأله قومی است

زندگی و حتی بعضاً سبک‌های زیست مبتذل مشغولند، نشان می‌دهد دموکراسی و آزادی نمی‌تواند به عنوان یک "مشکل" و "مسأله" در مسیر رشد اسلام و ارزش‌های اخلاقی و معنوی آن مطرح شود. تجربه ترکیه بیانگر آن است که "مشکل" تضعیف برخی هنجارها و شعائر اسلامی در کشوری مانند ایران به علت آزادی، دموکراسی، رعایت حقوق بشر و برپایی انتخابات آزاد به وجود نیامده است. شاید مهم‌ترین عامل این مسأله سوءاستفاده ابزاری از دین برای مقاصد تنگ نظرانه، دنیاطلبانه و افراطی و نیز تحمیل تک‌صدایی در سیاست و سبک واحد زندگی شهروندان جامعه مدنی باشد.

جالب آن‌که نظام ترکیه برخلاف کشورهای عربی و رژیم شاه که سبک‌های گوناگون زندگی را به رسمیت شناخته‌اند، اما مدافع تک‌صدایی در عرصه سیاست و حکومت هستند و بر خلاف مسئولان جمهوری اسلامی ایران که تنها یک سبک زندگی را در عرصه عمومی (نه فقط در ادارات و دانشگاه‌ها) مجاز می‌دانند، اما دست‌کم در ظاهر همه طرفدار انتخابات آزاد هستند، هم‌زمان از پلورالیسم در عرصه اجتماع و سیاست دفاع می‌کنند. در چنین فضایی مسلمانان دموکرات حرف نخست را هم در جامعه و هم در سیاست و حکومت می‌زنند. حال آن‌که در کشورهای گروه نخست بنیادگرایی اسلامی رو به رشد است و در نمونه دوم، بنیادگرایی لائیک.

۵. انتخابات آزاد، مسأله قومیت‌ها و کردها تجربه انتخابات آزاد در ترکیه نشان می‌دهد اگر قرار باشد مسائل قومی در کشورهای خاورمیانه حل شود، دوراه بیشتر وجود ندارد؛ یا توسعه عادلانه و مشارکت دموکراتیک و همگانی همه اقوام و قشرها و گرایش‌ها در عرصه اجتماع و سیاست

و حکومت، یا جنگ و تنازع مستمر و تجزیه احتمالی. شعار "ترکیه برای همه ترکیه‌ای‌هاست نه برای ترک‌ها" همچون شعار "ایران برای همه ایرانیان است نه برای فارس‌ها" متضمن پتانسیل عظیمی برای حل ریشه‌ای و پایدار مسأله قومی است. بر این مبنا می‌توان ادعا کرد دموکراسی سهمی انکارناپذیر و تعیین‌کننده در پر کردن شکاف قومی دارد و حل مسائل قومی بدون توسعه عادلانه و برپایی انتخابات آزاد ممکن نیست. در چنین روندی است که اقوام با همه تنوعات فرهنگی و زبانی و مذهبی خود می‌توانند عقب‌ماندگی‌هایشان را برطرف کنند و مطالبات خود را تحقق بخشند.

شرکت گسترده کردهای ترکیه در انتخابات اخیر و تعداد آرای بالای بسیاری از نامزدهای حزب عدالت و توسعه در شهرها و استان‌های کردنشین ترکیه، در کنار برگزیده شدن بیش از بیست نماینده از نامزدهای احزاب صرفاً کرد، ثابت می‌کند در ترکیه اکثریت ۸۰ درصدی همه مناطق، یعنی شهروندان ترک و کرد و مسلمان و سکولار، خواهان شرکت در عرصه تعیین سرنوشت خود به روش مسالمت‌آمیز هستند. مشارکت گسترده کردها در انتخابات اخیر نشان می‌دهد نگرش دموکراتیک مبتنی بر پذیرش چندصدایی در حکومت و رعایت حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اقوام، نه تنها در آنکارا و استانبول، بلکه در همه شهرها و بین همه شهروندان ترکیه، اعم از ترک و مسلمان و سکولار و مسیحی و... مقبولیت دارد.

از طرف دیگر جمع‌پذیری آزادی و عدالت که به لحاظ نظری و تئوریک، متناقض‌نما و یا "ناممکن‌نما" است می‌تواند در جریان عمل سیاسی راه‌حل خود را بیابد. توسعه دموکراتیک ترکیه در این جهت سرنخ‌هایی اندک، اما رو به رشد و آینده‌دار به ذهن متبادر می‌سازد. سمت‌گیری دموکراتیک در جهت حل مسأله اقوام و عدالت قومی، ارائه برنامه‌های موفق در جهت انتقال محور توسعه از مرکز به پیرامون و استان‌های شرقی و جنوبی و توسعه‌گرایی همه جانبه ترکیه به همراه ایجاد فضا برای حضور نمایندگان کرد در مجلس آن کشور، نشان می‌دهد هیچ پیوند منطقی و ضروری بین توسعه و نفی عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قومی وجود ندارد. توسعه عادلانه و انتخابات آزاد، توانان خشونت‌ورزی و تجزیه‌طلبی را تضعیف می‌کنند.

۶. انتخابات آزاد و زنان

حضور با نشاط بیش از هشتاد درصد همه قشرها در انتخابات نشان می‌دهد زنان ترکیه نیز اعم از مسلمان و سکولار، دموکراسی و انتخابات آزاد را گام بزرگی برای حل مشکلات و تأمین حقوق خود ارزیابی می‌کنند. در واقع دموکراسی و انتخابات آزاد در ترکیه توانسته است تا حدودی عدالت جنسیتی را نیز تأمین کند، اگر چه هنوز تبعیض‌های ناروا علیه زنان ترکیه، بویژه علیه زنان محجبه در دانشگاه‌ها و ادارات وجود دارد. با وجود این ظواهر امر نشان می‌دهد این تحمیل‌های ارتجاعی به زودی در هم خواهد شکست، بویژه آن‌که بخش قابل توجهی از روشنفکران، هنرمندان، دانشگاهیان و حتی بسیاری از زنان سکولار ترکیه، با آن‌که خود به پوشش سر اعتقادی ندارند و آن را رعایت نمی‌کنند، اما عمیقاً خواهان به رسمیت شناخته شدن حق سبک زندگی متفاوت همه شهروندان، از جمله زنان مسلمان هستند و مایلند در ترکیه، مانند اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، پوشش سر مانع رشد زنان نشود و آنان را از حقوق اجتماعی و سیاسی خود محروم نکند.

از سوی دیگر فعالان مدنی ترکیه متوجه شده‌اند تنها با شرکت در انتخابات نمی‌توانند همه مطالبات خود را محقق کنند. زنان، طرفداران محیط زیست، حامیان حقوق بشر، دانشجویان و دانشگاهیان، نویسندگان و هنرمندان و فرهنگیان، کارگران، معلمان، کارمندان، کشاورزان و... در ترکیه می‌دانند صرفاً با رأی دادن به همه خواست‌های خود نمی‌رسند. اما نکته بسیار مهم آن است که اکثر قریب به اتفاق آنان به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت فعال در انتخابات آزاد و رأی دادن به طرفداران دموکراسی و حقوق بشر بستر مناسبی فراهم می‌کند که ضمن تأمین امنیت ملی و افزایش سطح رفاه شهروندان و توسعه کشور، هر فرد و گروهی می‌تواند، در آن درکمال امنیت و آزادی برای تحقق اهداف خود بکوشد و نگران پرداخت هزینه‌های سنگین، مثلاً مجازات زنان برای شرکت در کمپین یک میلیون امضا در زمینه دفاع از حقوق زنان نباشد. دانشجویان ترک نیز به جای نگرانی از وقوع فجایعی همچون ۱۸ تیر ۷۸ در تهران یا ۱۹ تیر همان سال در تبریز، می‌توانند با امنیت کامل به طرح نظریات خود، اسلامی یا سکولار بپردازند و مزدور آمریکا قلمداد نشوند.

۷. انتخابات آزاد، نهادهای مدنی، انقلاب مخملی و مساجد

تجربه موفق دموکراسی در ترکیه نشان می‌دهد در کشورهایی که جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی در آن‌ها به لحاظ کمیت و کیفیت به درجه معینی از رشد و بلوغ خود رسیده‌اند، افراط‌گری، خشونت‌ورزی و انقلاب‌های نرم و سخت جا ندارد. افزون بر آن فعالیت نزدیک به ۶۰ هزار نهاد مدنی غیرانتفاعی (NGO) و انواع کانون‌های فرهنگی و هنری آزاد در ترکیه بیانگر آن است که این نهادها نه تنها مروج بی‌بنو باری و مانع رشد اسلام‌خواهی نیستند و ابزار دولت‌های بیگانه برای انجام انقلاب مخملی یا گسترش سکولاریزم محسوب نمی‌شوند، بلکه همین نهادها نقش مهمی در استقرار نظم و ثبات سیاسی و جلوگیری از بروز هرگونه خشونت‌ورزی و تغییرات خیابانی و رشد هنجارهای اسلامی و اخلاقی ایفا می‌کنند. دموکراسی در ترکیه ثابت کرد تأسیس این نهادها، همچون تشکیل خود حزب عدالت و توسعه برغم آن که مدرن و متعلق به عصر جدید هستند، اما می‌توانند در خدمت اهداف ملی و اسلامی درآیند و احزاب و NGOها هرگز رقیب یا جایگزین مساجد نخواهند شد. همچنان که مساجد نمی‌توانند جای مطبوعات یا اتحادیه‌های صنفی یا دانشجویی را پر کنند. نکته مهم آن است که فعالیت گسترده و آزاد نهادهای مدنی (احزاب، NGOها، اتحادیه‌ها، مطبوعات، کانون‌های ادبی و فرهنگی و هنری، شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی و...) در ترکیه به رونق نهادهای دینی و مساجد افزوده است، تا جایی که مساجد آن کشور در قیاس با ایران، از رونق چشمگیری برخوردارند.

۸. انتخابات آزاد، منافع ملی و صلح

دموکراسی ترکیه راهی جدید برای شکستن دور باطل "مداخله نظامی بیگانگان و رشد بنیادگرایی" فراروی کشورهای منطقه می‌گذارد. و نشان می‌دهد مقاومت موفق، عاقلانه و کارآمد در مقابل مداخله‌گرایی نظامی دولت کنونی آمریکا، تنها با دموکراسی و انتخابات آزاد میسر می‌شود. نمونه آن عملکرد دولت و مجلس منتخب شهروندان ترکیه است که چه در جریان مخالفت با عبور لشکر چهارم آمریکا از آن کشور در اول مارس ۲۰۰۳ و اجازه ندادن به گشایش جبهه شمال عراق از طریق خاک آن کشور و چه با گرفتن

دستاویزهای "حقوق بشری" و "دموکراتیک" از رهبران کاخ سفید برای بسط مداخله‌گرایی به ماورای عراق، موفق به تأمین آن شد. رعایت حقوق بشر و برپایی انتخابات آزاد در ترکیه امکان بهانه‌گیری را از جنگ‌طلبان بیگانه سلب کرده است تا نتوانند به این وسیله بر دامنه توقعات و فشارهای خود بیفزایند.

از طرف دیگر دموکراسی با طرد عوامل و زمینه‌های افراط‌گرایی و خشونت‌ورزی، تالانم و سازگاری شیوایی با تأمین امنیت در داخل و گسترش صلح در منطقه و جهان می‌یابد. انتخابات آزاد پارلمانی در ترکیه و نتایج آن، جدیدترین شاهد بومی این مسأله است. این همان چیزی است که از آن به "دموکراسی در خانه، صلح در جهان" تعبیر می‌کنیم، درست در نقطه مقابل "استبداد در خانه، و ماجراجویی در مرزها و ماورای آن" قرار دارد.

در حقیقت دموکراسی و انتخابات آزاد، ایفای نقشی متمدنانه و صلح‌گستر در سطح منطقه را برای دولتمردان فراهم کرده است. این در حالی است که دیکتاتورهای منطقه چاره‌ای جز ایفای نقش ژاندارمی برای تأمین منافع دولت ایالات متحده ندارند. تجربه ترکیه به این لحاظ عبرت‌آموز است؛ کشوری که همواره طی نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم در کنار رژیم دیکتاتور شاه و حتی در سطحی فراتر از آن عضو ناتو بود، به تدریج جنبه ژاندارمی خود را وا می‌نهد و در بسط صلح منطقه‌ای به یک مهره اساسی تبدیل می‌شود. کمترین دستاورد انتخابات آزاد اخیر ترکیه آن بود که همه آن تجهیزات وسیع و پایگاه‌های آمریکایی در ترکیه به یمن دموکراسی و انتخابات آزاد و "نه گفتن پارلمان آن کشور به ارتش آمریکا در جریان اشغال عراق بلا استفاده ماند و به سطح گشایش یک جبهه جدید به نام "جبهه شمال" توسط پنتاگون ارتقاء نیافت. بر عکس، کشورهای جنوب در حوزه خلیج فارس برغم همه شعارهای ضداسرائیلی و پان عربی خود، نه تنها نتوانستند کوچک‌ترین خللی در مسیر عبور ناوهای آمریکایی و حمله به یک کشور عربی به وجود آورند، بلکه پایگاه‌های ارتش ایالات متحده در آن کشورها به امتداد خاک آمریکا تبدیل شدند. به عبارت بسیار روشن، میزان دموکراسی در کشورهای منطقه حد انتظارات دولت آمریکا را از حاکمانشان مشخص می‌کند. عدم وجود دموکراسی در یک

کشور باعث می‌شود دولت آمریکا به جای درخواست مسالمت‌آمیز و حتی ملتمسانه برای ایفای نقش و همکاری گسترده منطقه‌ای و جهانی علیه دشمنان خود، لحنی کاملاً آمرانه به خود بگیرد و کشورهای به اصطلاح "سرکش" را نیز به جایی برساند که نقشی جز همکاری برای آرام‌سازی مناطق اشغالی ارتش آمریکا برای خود متصور نشوند.

در ترکیه دموکراتیک در شرایطی کاملاً متفاوت از رژیم‌های دیکتاتور که در جریان گفت‌وگوی نابرابر با آمریکا هر از گاهی "ترس از ناامنی و شورش‌های خیابانی" را به رخ طرف مقابل می‌کشند، "صندوق رأی" به جای "خیابان" نقش تضمین‌کننده مناسبات برابر حقوق با آمریکا و اروپا را بر عهده می‌گیرد.

روشن‌تر بگوییم، رژیم‌های دیکتاتوری عربی از موضعی همدلانه در قبال سیاست‌های خاورمیانه آمریکا به طرف مقابل خود می‌گویند: "ما با شما موافقیم، اما "خیابان‌ها" نمی‌گذارند." ولی دولت منتخب مردم، انبان استدلالی غنی و موجهی دارد و در جریان مذاکره به طرف مقابل می‌گوید: "همچنان که شما به دموکراسی و آرای ملت خود اتکا دارید در کشور ما، مثلاً ترکیه، نیز دموکراسی حاکم است و ما هم مردم خود را داریم و نمی‌توانیم حساسیت‌های مردمی از جمله همبستگی جهان اسلامی شهروندان و طرفداران خود را که در هر انتخاباتی به آن نیاز داریم، نادیده انگاریم."

هنگامی که اردوغان در ماه رمضان در اعتراض به کشتار مردم "قلوچه" توسط ارتش آمریکا با کاخ سفید تماس می‌گیرد و "تأثرات ملت خویش در ماه مبارک" را به طرف مقابل یادآوری می‌کند یا هنگامی که در نقطه اوج مناسبات سیاسی و حتی نظامی ترکیه با اسرائیل، وی "تروریسم دولتی" آن کشور را با لحن قاطع محکوم می‌کند، علاوه بر انگیزه‌های فردی و شاید موثرتر از آن، نوعی "صندوق ترسی" مبارک را به نمایش می‌گذارد که از "خیابان‌ترسی" رژیم‌های دیکتاتور متمایز است و البته بسیار اخلاقی‌تر و موثرتر، زیرا شورش خیابانی هر قدر هم که پرطنین باشد، موقت و موردی است و پشتوانه اندکی در اختیار دیکتاتورهای حاکم می‌گذارد تا از اجرای درخواست‌های دولت آمریکا خودداری کنند. اما صندوق رأی قدرتی بی‌نظیر و نهادینه و همیشگی به دست منتخبان ملت می‌دهد که در پرتو آن می‌توانند پاسدار منافع ملی خویش باشند.

۹. انتخابات آزاد، روابط بین الملل و جهان اسلام پس از سال‌های طولانی حاکمیت شوونیسم و تمرکزگرایی نظامی، انتخابات آزاد توانست

روابط و جایگاه ترکیه را در دو جهت با اتحادیه اروپا و کشورهای اسلامی مستحکم کند. امروز همگان شاهدند که برغم ثوری ۸۰ ساله اروپایی شدن و "معاصر شدگی"، یک حزب مسلمان و دموکرات که در انتخابات آزاد پیروز شده، توانسته است با عملکرد مناسب خود، نه تنها امنیت و یکپارچگی ترکیه را حفظ کند و کشور را در مسیر رشد و رفاه و توسعه قرار دهد، بلکه به تحقق معیارهای حقوق بشری و دموکراتیک اتحادیه اروپا (موسوم به "سنجه‌های کپنهاگ") یاری رسانده و این کشور را در آستانه عضویت در اتحادیه اروپا قرار داده است.

جالب آن که اردوغان، در نقطه اوج گردهمایی‌های میلیونی کمالیست‌ها و شعارهای "نه اتحادیه اروپا، نه آمریکا، استقلال تمام عیار ترکیه"، تا آخرین دقایق انتخاباتی بر عزم ترکیه مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا تأکید می‌کرد. افکار عمومی ۸۲ درصدی ضد آمریکایی ترکیه نیز که به گواهی نظرسنجی‌های غربی، یکی از پرچمداران خشم جهانی علیه سیاست‌های تجاوزکارانه جرج بوش است، با آگاهی کامل حساب اتحادیه اروپا را از سیاست‌های تجاوزکارانه دولت کنونی آمریکا تفکیک کرد.

حکومت پنج ساله حزب عدالت و توسعه در ترکیه نشان داد اسلام‌گرایی معنوی و اخلاقی در مسیری دموکراتیک و آزاد، انزواگرایی را به کشور تحمیل نمی‌کند و آن را در معرض آماج تهاجم جهانی قرار نمی‌دهد. بر عکس، حکومت و دولتی که وامدار آرای ملت خویش است، می‌تواند از موضع عزت و منافع ملی پای در مسیر دشوار و طولانی عضویت در اتحادیه اروپا گذارد و در همان حال به دلیل این نیاز مردمی - انتخاباتی از موضع حقوق برابر، روابط میهن خویش را با آمریکا و دیگر دول

سازمان دهد. ترکیه اکنون به یکی از مدل‌های موفق استقرار دموکراسی

تجربه ترکیه می‌آموزد که کسب عزت و احترام در جهان امروز نه با تکیه بر نیروی نظامی یا سر دادن شعارهای رادیکال و هزینه بر، بلکه به یمن انتخابات آزاد و دموکراسی مشارکتی، افزایش سطح رفاه و توسعه، کاهش شکاف قومیتی، تأمین حقوق شهروندان از جمله زنان و جوانان و پذیرش سبک‌های زندگی گوناگون میسر است

برای مسلمانان جهان تبدیل شده است.

دموکراسی در ترکیه مدلی کاملاً متفاوت از الگوسازی نظامی آمریکاییان برای استقرار دموکراسی و برپایی انتخابات آزاد در عراق و افغانستان، فراروی ملل خاورمیانه و کشورهای اسلامی قرار داده است.

در دموکراسی ترکیه هم درس‌هایی برای رهبران کنونی کاخ سفید و سیاست "تحمیل دموکراسی بر محمل سر نیزه‌های جنگ و اشغالگری" وجود دارد و هم درس‌هایی برای مردم و نخبگان کشورهای دیکتاتور زده عرب و غیر عرب؛ آن‌ها از تجربه ترکیه دموکراتیک می‌آموزند که راه دیگری برای استقرار دموکراسی وجود دارد که در عین حال مخالف افزون‌خواهی، جنگجویی و نظامی‌گری بیگانگان است، راهی که از دل جامعه مدنی می‌گذرد و دموکراتیزه کردن دولت و دستگاه یوروکراسی را محصول فرعی، اما بسیار مهم دموکراتیزه شدن جامعه مدنی معرفی می‌کند.

نتایج انتخابات اخیر بیانگر آن است که شهروندان ترکیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه دولت آمریکا را از ارزش‌هایی همچون انتخابات آزاد، دموکراسی و حقوق بشر جفا می‌کنند؛ با اولی مخالفند و با دومی موافق. بر خلاف آنچه این روزها در سیاست‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود، از سویی مذاکره با نمایندگان جنگ‌طلب‌ترین دولت‌های آمریکا انجام می‌گیرد و از سویی دیگر و همزمان با آن مفهوم دموکراسی مورد شدیدترین تهاجم‌های تبلیغاتی قرار می‌گیرد و علیه آن حتی سریال تلویزیونی ساخته می‌شود.

تجربه ترکیه همچنین می‌آموزد که کسب عزت و احترام در جهان امروز نه با تکیه بر نیروی نظامی یا سر دادن شعارهای رادیکال و هزینه بر، بلکه به یمن انتخابات آزاد و دموکراسی مشارکتی، افزایش سطح رفاه و توسعه، کاهش شکاف قومیتی، تأمین

حقوق شهروندان از جمله زنان و جوانان و پذیرش سبک‌های زندگی گوناگون میسر شده است. ۱۰. انتخابات آزاد و آرایش نیروهای سیاسی

پذیرش دموکراسی و انتخابات آزاد بین سکولارهای آزادی‌خواه و دینداران دموکراتی که خواهان به رسمیت شناخته شدن سبک زندگی خود و مشارکت فعال در سیاست و حکومت با هویت ویژه خود هستند، ائتلافی اعلام شده پدید می‌آورد و شکاف سیاسی را نه بر مبنای دوگانه مسلمان - سکولار که بین طرفداران دموکراسی و مخالفان آن که کودتا، براندازی نظامی یا تجزیه طلبی را ترویج می‌کنند، تبیین می‌کند. نمونه بارز آن دفاع بسیاری از سکولارهای ترکیه از حق پوشش آزاد زنان ترکیه، اعم از سکولار یا مسلمان است و سرریز شدن آراء قشرهای سکولار و برون‌شهری به سود حزب عدالت و توسعه.

در واقع آن دسته از روشنفکران سکولار که اولویت آنان تحقق معیارهای دموکراتیک و حقوق بشری و نه لائیسیته تمرکزگرا و دیگرستیز در ترکیه است، نمونه بارز "دولت حقوقی" را در رعایت حقوق همه شهروندان و احزابی می‌یابند که حاضرند در چارچوب قانون اساسی و به صورت مسالمت‌آمیز فعالیت سیاسی کنند. بخشی از شهروندان سکولار ترکیه نیز به حزب عدالت و توسعه رأی دادند، زیرا آن حزب را در جهت تأمین امنیت و رفاه و توسعه، موفق‌تر ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر حزب عدالت و توسعه نیز با پذیرش اصول سکولاریزم در انتخابات آزاد شرکت می‌کند و با پیروزی در آن، حکومت را در دست می‌گیرد. در رقابت آزاد در کشورهای اسلامی، مسلمانان اگر درست عمل کنند، بازنده نهایی رقابت با لائیک‌ها یا هیچ نیروی دیگری نیستند.

۱۱. انتخابات آزاد و مبارزه با فساد فسادستیزی و اعتقاد به پاکیزگی کادرهای حزب عدالت و توسعه در جریان انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی نقش مهمی در افزایش تعداد رأی دهندگان به حزب مذکور ایفا کرد. البته عملکرد مناسب حزب در زمان حکومت و

شعار انتخاباتی اردوغان مبنی بر این که "ما معیارهای دموکراتیک و حقوق بشری اتحادیه اروپا را نه به دلیل پیوستن به این اتحادیه، بلکه به علت ارزش ذاتی خود این معیارها محقق خواهیم کرد"، نقش مهمی در گرایش شهروندان ترکیه، از جمله بخشی از سکولارها به آن‌ها داشت.

در جریان انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ همان شعارها در یک طراز نوین و استعلائی به کمک عملکرد شش ساله حزب حاکم، تجدید حیات یافت. به طوری که اکثر تحلیلگران و ناظرین داخلی و خارجی صحنه سیاست ترکیه در همان نقطه اوج گردهمایی‌های ضدآمریکایی و ضد اروپایی کمالیست‌ها علیه رییس‌جمهور شدن عبدالله گل، پیش‌بینی می‌کردند خروش خیابانی "۲۰ درصدی‌ها" دیری نخواهد پایید و به زودی و از پس آرام‌گیری سیلاب‌های "نیسان" (ماه تظاهرات میلیونی علیه نامزدی ریاست‌جمهوری عبدالله گل و ماه صدور هشدار الکترونیکی ارتش‌ها)، "نموز انتخابات" فرا می‌رسد و اکثریت قاطع رأی دهندگان، اقلیت ۲۰ درصدی جامعه را به پذیرش سهم مناسبی در حکومت و نه تحمیل خود به کل جامعه مجبور خواهند کرد.

۱۲. انتخابات آزاد، ترس یا امید؟

نکته برجسته در پیش‌بینی تحلیلگران این بود که گفته می‌شد مخالفان حزب عدالت و توسعه به جز چند شعار سلبی ضدآمریکایی و ضداروپایی چیز دیگری در چنته ندارند و چنین شعارهایی در مقابل کارنامه موفق دولت آقای اردوغان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی و مواعد امیدبخش حزب برای آینده رنگ خواهد باخت.

نتایج انتخابات اخیر ثابت کرد مخالفانی که سیاست خود را بر پایه تولید "ترس" و "تهدید" استوار کرده‌اند و خود را معادل نظام سیاسی می‌خوانند، در مقابل حزبی که برای گسترش عدالت و توسعه گام برمی‌دارد و از آزادی، امید و آینده بهتر دم می‌زند، شانس ندارند. همچنان که نظرسنجی‌ها نشان می‌داد و انتخابات ثابت کرد، فقط ۲۰ درصد شهروندان ترکیه سکولاریزم را در معرض تهدید می‌انگارند یا از عواقب سمت‌گیری میهن به سوی اتحادیه اروپا نگرانند. ۸۰ درصد مردم با این که سبک‌های زندگی در ترکیه به رسمیت شناخته شود (زنان محجبه بتوانند در دانشگاه‌ها، ادارات، پارلمان و ... حضور یابند)، کردهای ترکیه

شهروند درجه یک تلقی شوند و مشارکت آنان در عرصه سیاست و حکومت جلب شود، نه این که با "ترک کوهی" نامیدن آنان مانع حضور نمایندگان‌شان در حاکمیت (پارلمان و در آینده در دولت) شوند و سخن گفتن به زبان کردی دیگر مجازات نداشته باشد، ترکیه به اتحادیه اروپا بپیوندد و معیارهای حقوق بشری و دموکراتیک در آن کاملاً رعایت شود و با طرد شوونیسم افراطی، لائیسیتیه ضد اسلام و دیگرستیز و حاکمیت نظامیان، ترکیه الگوی موفق برای کشورهای مسلمان گردد و ...، کاملاً موافقت. همین گرایش، ضامن بهروزی ملت ترکیه است.

این مقاله هرگز در صدد اثبات این مسأله نیست که نظام سیاسی ترکیه فاقد هر گونه نقطه ضعف است یا احتمال اقدام‌های غیرمدنی نظامیان آن کشور به طور مطلق منتفی شده است. بلکه منظور، جلب توجه همگان به این موضوع مهم است که چرا اصلاح‌طلبان پیشرو در جریان نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، "دموکراسی" را زمینه‌ساز حل مشکلات کشور و بهبود اوضاع شهروندان می‌خوانند. باید به این نکته توجه داشت که امروز، حتی آن دسته از نظامیان دیکتاتور ترکیه که در گذشته به نام دفاع از لائیسیتیه و ارزش‌های آن، خود را مجاز به انجام کودتا روز به روز دشوارتر، نامقبول‌تر و ناموفق‌تر می‌شود و دموکراسی مزایای فراوانی برای همگان، از جمله نظامیان و سکولارها دارد. به همین دلیل به انتخابات آزاد تن داده‌اند و تسلیم نظر ۸۰ درصدی مردم ترکیه شده‌اند که عدم دخالت نظامیان را به سود میهن و بهبود اوضاع ارزیابی می‌کنند.

تحول مسالمت‌آمیز ترکیه صرفاً با افزایش ظرفیت نظام سیاسی آن کشور ممکن شد. چنانچه روشنفکران و دانشگاهیان و دولتمردان سکولار کشور همسایه علاوه بر نظامیان با درک شرایط عینی و ذهنی، دموکراسی و انتخابات آزاد را اولویت خود قرار دادند و با پذیرش امکان سازگاری اسلام و دموکراسی زمینه را برای توسعه دموکراتیک ترکیه فراهم کردند؛ عکس آنچه غالب سکولارهای ایرانی انجام می‌دهند و رسالت اصلی خود را اثبات ناسازگاری اسلام و

مدرنیسم و نقش منفی روشنفکران دموکرات مسلمان در تحقق پروژه دموکراسی در میهن می‌نامند و به اثبات عقب‌ماندگی اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای دینی پرداخته و اسلام را مانع بزرگ تحقق جامعه پیشرفته و دموکرات در ایران ارزیابی می‌کنند.

به این ترتیب نه فقط اقتدارگراها، بلکه سکولارهای ایرانی نیز می‌توانند و باید از تجربه ترکیه درس بگیرند، همچنان که اصلاح‌طلبان، زنان، دانشجویان، کارگران، فعالان نهادهای مدنی از یک طرف و کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، لرها، عرب‌ها و ترک‌های ایرانی از طرف دیگر باید از آن درس بگیرند.

در پایان سال جاری قرار است در ایران انتخابات پارلمانی برگزار شود. امروز جمهوری اسلامی ایران فقط با کشورهای دیکتاتوری همچون عربستان مقایسه نمی‌شود که برپایی انتخابات حتی با اعمال نظارت استصوابی در کشورمان، در مقایسه با آن اقدامی مترقی جلوه کند. رقیب دیگر ما نیز برپایی انتخابات تحت اشغال نظامیان آمریکا نیست (نمونه عراق و افغانستان) که گر چه آزادی انتخابات در آن‌ها تأمین شد، اما شهروندان هر دو کشور اشغال شده در چنان وضعیت وخیمی گرفتار شده‌اند که بسیاری عطای انتخابات آزاد را در فقدان امنیت و امید به آینده، به لقایش بخشیده‌اند.

امروز "جمهوری اسلامی ایران" رقیب قدرتمندی به نام "جمهوری ترکیه" دارد که برای نشان دادن اعتماد به نفس خود داوطلبانه نمایندگان از کشورهای دیگر، از جمله ایران را دعوت می‌کند تا به ترکیه بروند و از نزدیک شاهد نحوه برگزاری انتخابات باشند. اکنون معلوم می‌شود سؤال اساسی این نیست که چرا در ترکیه نظامیان کودتا نمی‌کنند، بلکه این پرسش برای ما اهمیت بیشتری یافته است که آیا "جمهوری ترکیه" که پایه‌گذار آن نظامیان سکولار بوده‌اند، در استقرار دموکراسی و رعایت حقوق بشر و برپایی انتخابات آزاد بر "جمهوری اسلامی ایران" که بنیانگذارش مرجعیت مردمی شیعه بود، پیشی خواهد گرفت؟

پانوش:

۱. جمال، حسن: روزنامه ملت، ۱۹ اگوست ۲۰۰۷.